

شهر و رمان؛ مطالعه‌ای جامعه‌شناختی پیرامون شکل‌گیری رمان فارسی در فضای

شهری ایران

خیام عباسی^۱، شبنم حاتم‌پور^۲

چکیده

این پژوهش با رهیافت جامعه‌شناسی رمان و در چارچوب روش‌شناختی پارادایم کیفی (روش اسنادی) انجام شده است. نمونه‌های مورد مطالعه نیز با تکنیک نمونه‌گیری هدفمند و قضاوتی و با روش‌شناسی کیفی انتخاب شده‌اند. پرسش محوری پژوهش این است که: «آیا بین شهرنشینی در ایران با شکل‌گیری رمان فارسی مناسبتی وجود داشته است؟». مبانی تئوریک تحقیق اقتباسی است از تئوری‌های جامعه‌شناسانه مارکس، زیمل، گلدمن و لوکاج؛ تئوری‌هایی که هر دو مفهوم محوری تحقیق (رمان و شهر) را بررسی کرده‌اند. برای بررسی موضوع، نه رمان مشهور از میان رمان‌های معاصر انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب، انعکاس دو پدیده شهر و رمان در آن‌ها بوده است. نتایج نشان می‌دهند که به میانجی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بین گسترش شهرنشینی (به‌خصوص پس از حکومت پهلوی اول و دوم) از یک‌طرف و شکل‌گیری و تکامل رمان فارسی از طرف دیگر، مناسبت و هم‌راستایی وجود داشته است.

واژه‌های کلیدی

جامعه‌شناسی رمان، رمان فارسی، مدرنیته، شهر، شهرنشینی.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. (نویسنده مسؤول)

khayyam.abbasi@iau.ac.ir

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

Shabnam.Hatampour@iau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

۱- مقدمه و طرح پرسش

گرچه تشکیل هسته‌های اولیه‌ی شهر به سده‌های دورتر بر می‌گردد اما شهرنشینی مدرن پس از رنسانس و به‌ویژه هم‌زمان با انقلاب صنعتی آغاز شد. صنعتی‌شدن، اختراع قطب-نما، اختراع ماشین چاپ و افزایش روند سوادآموزی در مجموع، ذهن و زندگی فردی و اجتماعی اعضای طبقات اجتماعی (به‌خصوص طبقات بالا و متوسط) را دستخوش دگرگونی‌های عمیقی کردند. هم‌زمان با این تغییرات و تحولات بود که ایدئولوژی‌ها و مکاتب مختلفی با موضوعاتی چون حقوق شهروندی، فردگرایی، سوسیالیسم، دموکراسی، کاپیتالیسم، نوع حکومت، جامعه‌ی مدنی، مشارکت مدنی و آزادی‌های فردی و گروهی شکل گرفتند. جمعیت متراکم و متنوع شهری نیز باعث رونق بازار مصرف در شهرها شد و کارخانجاتی با تولید انبوه، نیازهای مختلف شهرنشینان را برطرف کردند. بورژوازی‌شدن که خود یکی از عوامل تشکیل و گسترش شهر بود و سپس خود شهر به فراگیر شدن آن یاری رساند، به ویژگی ذاتی شهر تبدیل شد و انسان شهری به یمن پیشرفت‌های تکنولوژیک، اوقات فراغت و نیازهای جدید غیرمادی پیدا کرد. گسترش طبقه‌ی متوسط، ارتقای سطح تحصیلات و تعلیمات عمومی با اختراع گوتنبرگ نیز موجب پدید آمدن افشار کتابخوان شدند و در پاسخ به این نیاز فکری و معرفتی، بازار چاپ و نشر کتاب نیز رونق به‌سزایی یافت. با وجود این تغییرات که سرعت روزافزونی داشتند، تولیدکنندگان آثار فکری و هنری قادر نبودند اوضاع جوامع را با ژانرهای نویسندگان پیشین توصیف کنند یا به انتقاد بگیرند. ساده‌نویسی اصحاب دایرةالمعارف، تجربه‌ی ارزشمندی بود، اما پیچیدگی جوامع و انسان قرن ۱۸ و ۱۹م در صورت و سیرت از گونه‌ی خود در عهد رنسانس یا روشنگری چنان متمایز و متفاوت بود که گونه‌های منشور و منظوم قبلی، ظرفیت تبیین، تفسیر و تحلیل واقعیات پیچیده‌ی مدرن را نداشتند. علمی چون فلسفه و منطق و ژانرهایی مانند قصه و حماسه، به اقتضای زمانه و پیچیدگی جوامع روزآمد می‌شدند؛ اما انسان مدرن در جامعه‌ی شهری به‌جز نیاز به شیوه‌ی مدرن تحلیلی و روایتگری، محتاج قشری دیگر از نویسندگان بود تا ضمن نوشتن از پدیده‌های

نو، احتیاجات روحی و فکری آنان را اقناع کنند. بنابراین مانند همیشه، نیازهای انسان او را به تکاپو برای کشف راه‌های جدید در حوزه نویسنده‌گی وا داشت. این چنین کشفی را بعدها در قرن بیستم رابرت مرتن که به تحلیل تاریخ علم در انگلستان (اولین کشور صنعتی‌شده) پرداخت، در انگاره‌ای جامعه‌شناختی، «انقلاب» در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی ترسیم کرد. در این انگاره، در مقاطعی از تاریخ که «وسایل» هنجارین برای رسیدن به «اهداف» مقبول جامعه، کارآیی، و همان «اهداف» نیز مشروعیت^۱ ندارند، با کشف یا اختراع وسیله و هدفی جدید، انقلابی در عرضه مفروض شکل می‌گیرد. با تمام نتایج چشمگیر و حیرت‌آور علوم مدرن، کارکردهای پنهان و منفی‌ای نیز برای انسان و جوامع داشتند. تنهایی، الیناسیون، الکلیسم، کالایی‌شدن^۲، شیء‌وارگی^۳، نوستالوژی، عدم قطعیت، شهرزدگی و ...، ویژگی‌های جامعه شهری بودند که با زندگی مدرن به انسان تحمیل شدند. در این نوع زندگی که ابعاد آن هنوز به خوبی شناخته نشده بودند و به تعبیر الیوت، واقعیتی بود که انسان توان تحمل آن را نداشت، طبق تحلیل هگل، حماسه برای توصیف و تبیین زندگی سرمایه‌داری مناسب نبود و «حماسه‌ای به نثر» باید پدید می‌آمد. لوکاک هم بعدتر به درستی تشخیص داد که «وحدت طبیعی قلمروهای متافیزیکی برای همیشه نابود شده است» و هر پدیده مادی و غیرمادی سفت و سخت، دود و ذوب شده و به هوا رفته بود. به این ترتیب، صنعت و شهر، زندگی فردی و جمعی انسان را از اساس دگر دیس کردند.

شهرنشینی که فضای مناسبی برای تولید و مصرف انبوه فراهم آورد، به زودی با بازاری اشباع‌شده روبه‌رو شد و سرمایه‌داران با اختراعات ماشینی و دریایی جدید، راهی کشورهای دیگر شدند تا منابع خام و نیروی کار ارزان و بازار مصرف جدیدی بیابند. این گام نخستینی بود تا در کنار روابط چند بُعدی بین‌المللی، نظام سرمایه‌داری مبتنی بر سرمایه و سود، به دیگر کشورها صادر بشود که البته موقعیت ژئوپولیتیک ایران، مقصد

-
1. Legitimacy
 2. Commodification
 3. Reification

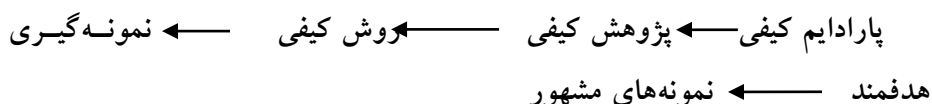
درخوری برای آن به شمار می‌آمد. روند صنعتی‌شدن و شهرگرایی آن‌طور که در غرب پیشرفت داشت، در کشورهای غیر غربی هم (کم‌وبیش) پیش رفت. در ایران، گرچه شهرنشینی سابقه‌ای دیرینه داشت؛ اما شهر جدید، واجد ویژگی‌های سرمایه‌دارانه‌ای بود که به نظر وبر تنها یک بار در تاریخ و آن هم در غرب (یکتایی^۱ تمدن غربی) اتفاق افتاده بود (فروند^۲، ۱۳۸۳: ۱۳۴). با این مقدمه، روشن شد که برای انسان و جامعه‌ی جدید ایرانی، نیازهای مادی و غیرمادی جدیدی تعریف شد و هر دو دچار مسائل فردی و اجتماعی جدیدی شدند و صنعت و شهر، پیامدهایی برای‌شان داشت که تا حدی شبیه روال طی‌شده و تجربه‌ی انسان و جوامع غربی بودند؛ به‌علاوه که ساختار شهر در ایران متأثر از دو خرده‌نظام دین و اقتصاد در قالب بازار و مراکز مذهبی (مسجد) بود. غیر از این دو، پدیده‌هایی مانند میدان مرکزی شهر، حصارها و برج‌های حفاظت و نگهبانی، محله‌ها و ارگ حکومت یا نماینده‌ی حکومت، از عناصر اصلی معماری شهرهای ایران محسوب می‌شدند که با ورود مدرنیته دچار تغییرات شدند و برخی از آنها جای خود را به عناصر دیگری دادند. با چنین تغییراتی، روح شهرنشینی به تعبیر آگبرن به مثابه‌ی فرهنگ غیرمادی به تبع فرهنگ مادی نیز دگرگون شد (آگبرن و نیمکف^۳، ۱۳۸۱). اینک طرح این پرسش از زاویه‌ی جامعه‌شناسی شهری و جامعه‌شناسی ادبیات و رمان موجه می‌نماید که آیا در شهر، حماسه دیگر بی‌کارکرد شد؟ و آیا به‌ناچار ژانر جدیدی با هدف شناخت، توصیف و تفسیر انسان و جامعه‌ی جدید ایرانی در شهر، بایستی کشف یا برساخته می‌شد؟ و آیا این نوع جدید، ژانر رمان بود؟ به‌طور خلاصه، این پرسش را می‌توان به‌عنوان پرسش اصلی پژوهش مطرح کرد که: «آیا بین شهرنشینی در ایران با شکل‌گیری رمان فارسی مناسبتی وجود داشته است؟». پژوهشگران می‌کوشند پاسخ این پرسش را در پارادایم کیفی و با استفاده از روش کیفی اسنادی جست‌وجو کنند.

-
1. Nomilagic
 2. Julien Freund
 3. Ogburn & Nimkoff

۲- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی اسنادی استفاده شده است. «در این روش منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارک منثور و منظومی است که از دوره‌های گذشته به جا مانده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۲۶). پژوهش اسنادی بر مبنای استفاده از اسناد و مدارک است و زمانی مورد کاربرد است که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام باشد و یا آن که تحقیق، مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶). اسناد مورد بررسی این پژوهش را رمان‌های فارسی تشکیل می‌دهند. با توجه به روش پژوهش کیفی، انتخاب نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند و قضاوتی انجام شد. این تکنیک در پژوهش‌های کیفی بیشتر معنا می‌یابد و ناظر است به «گزینش واحدهایی خاص مبتنی بر اهداف خاص مرتبط با پاسخ به سوال‌های خاص» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۲). در نمونه‌گیری کیفی هدفمند، برای دستیابی به نمایایی، نمونه‌های موارد مشهور انتخاب می‌شوند. در این پژوهش، موارد مورد تحلیل با همین فرایند انتخاب شده‌اند. برای بررسی جایگاه شهر در رمان‌های فارسی سعی شده است نمونه‌های مورد مطالعه، شامل تمام دوره‌های مهم رمان‌نویسی بشود. با این منظور، رمان‌های زیر انتخاب شده‌اند: «تهران مخوف» از مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۴۰)؛ «چشم‌هایش» از بزرگ علوی (۱۳۳۱)؛ «شوهر آهو خانم» از علی محمد افغانی (۱۳۴۰)؛ «همسایه‌ها» از احمد محمود (۱۳۵۳)؛ «اهل غرق» از منیرو روانی‌پور (۱۳۶۸)؛ «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» از زویا پیرزاد (۱۳۸۰) و «پاییز فصل آخر سال» از نسیم مرعشی (۱۳۹۵).

الگوی روش‌شناسی تحقیق:



۳- مبانی تئوریک پژوهش

روح روشنگری اروپایی، منبع الهام بسیاری از هنرمندان، موسیقی‌دانان و نویسندگان پس از آن شد. در حوزه‌ی داستان‌نویسی و خلق رمان، «بسیاری از نویسندگان از روش‌های سنتی داستان‌گویی که عمدتاً بر دلاوری‌های پیکارجویان و پادشاهان باستانی تکیه داشت دست کشیدند و در عوض شخصیت‌های معمولی و واقعی را به تصویر کشیدند که درگیر تجربیات گوناگونی بودند» (جان‌ام‌دان، ۱۳۸۲: ۱۲۳-۱۲۲). مجموعه‌ای از عوامل باعث شدند تا دوره‌ی روشنگری به انقلاب صنعتی در انگلستان بینجامد. تراکم ذخیره‌ی اطلاعات در فناوری‌های معمول (که در عصر کشاورزی و سپس فتودالیسم حاصل آمده بود) شامل تکامل فنون و دانش کشتی‌سازی از یک‌سو و اختراع ماشین چاپ از سوی دگر، منجر به کشف سرزمین‌های جدید و تصرف و تسخیر آنها شدند. با ورود انسان غربی به دنیای ناشناخته و بکر، منابع روزمینی و زیرزمینی این مناطق، روانه‌ی اروپا شدند و بر میزان سرمایه‌ی آن سرزمین افزودند؛ همچنین انجام مبادلات و داد و ستدی که اینک به یمن مسکوکات طلا و نقره رواجی شایسته یافته بود، هم‌زمان سه نتیجه‌ی مهم را به دست داد: اول اینکه اقتصاد مبتنی بر پول شکل گرفت؛ اقتصادی که گاه دچار تورم پولی می‌شد. دوم: سازمان‌های اقتصادی و پولی‌ای به وجود آمدند که هم نیاز به کارگزاران و مدیران بازرگانی-تجاری-صنعتی داشتند، هم نیاز به توده‌ی گسترده‌ای از کارکنان و کارگران؛ و سوم: اینکه جهان‌بینی‌هایی در تضاد با اعتقادات ماوراءطبیعی شکل گرفتند که تولید، تجارت و افزایش ثروت را با هدف رفاه انسان و لذت بردن از زندگی موجه می‌دانستند. تغییری که در نگرش انسان‌ها به وجود آمد هم‌چنین شیوع تفکرات فلسفی و ادبی جدید، خود، نتیجه‌ی نقش موفقیت‌آمیزی بود که مذهب پروتستان در چند صد سال پس از فعالیتش در جهان مسیحی ایفا کرده بود. نتیجه‌ی بلافصل عملکرد شبکه‌ای و ارتباط مبادله‌ای این عوامل، انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی بود. به‌خصوص انقلاب صنعتی چنان عمیق و پرشتاب بود که جهان پس و پیش از آن به راستی قابل مقایسه نبودند

(نولان و لسکی^۱، ۱۳۸۰: ۳۲۴). از زاویه نگرش جامعه‌شناختی، اینک ایدئولوژی‌های سیاسی رو به خلق و تزاید هستند؛ نهضت سودآموزی به سرعت کشورهای اروپایی را درنوردید؛ اختراعات و اکتشافات جدید به‌طور روزافزون شک دکارتی را گسترش دادند؛ طبقه متوسط رو به رشد نهاد؛ رسانه‌های ارتباطی با انقلاب مارکسی و صنعت کاغذسازی به نشر اطلاعات یاری فراوان رساندند؛ انقلاب‌های سیاسی مانند انقلاب امریکا، انگلستان و فرانسه زمینه دخالت توده‌ها و تحدید اختیارات حکام را رقم زدند؛ قوانین انسان‌ساخته بر ارزش انسان به‌ماهوی انسان تأکید کردند (آغاز فرایند فردگرایی)؛ زنان وارد سپهر اجتماعی شدند؛ اکتشافات و اختراعات پزشکی به طرز بی‌سابقه‌ای منجر به افزایش جمعیت و طول عمر و نیز بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها شدند؛ شبکه چاپ و نشر، نویسندگان و هنرمندان را از وابستگی مالی به حکومت‌ها رهانید؛ شهرهای صنعتی و خدماتی شکل گرفتند؛ تقسیم کار اجتماعی در جامعه ارگانیکی و گزلفاشتی جدید ایجاد شدند؛ شکلی از حاکمیت مصرف‌کننده در پی تولیدات متنوع به وجود آمد؛ نهاد خانواده در فرم و ساخت (از گسترده به هسته‌ای) متحول شد؛ مؤلفه‌های جامعه مدنی، فضای عمومی میان نخبگان حاکم و طبقات تحت حاکمیت را وسیع کرد و منافع مشترک و آگاهی از این منافع، طبقاتی مانند سرمایه‌داران و کارگران را به هویت جدیدی رسانید (و همین آگاهی از سرنوشت و منافع مشترک است که با عنوان طبقه از آنها یاد می‌کنیم). این زیر و زبر شدن‌های شتابناک و عمیق موجب شدند تا علوم جدیدی در حوزه علوم انسانی به وجود بیایند؛ چه، حاصل این همه تحولات، جهانی پیچیده بود و انسانی با صفت سوژه شناسا که بعداً انسان پروبلماتیک لقب گرفت. علوم جدیدی همچون روان-کاوی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و ادبیات مدرن نیز همه در تکاپو بودند تا چنین انسان و جهان جدید را تحلیل کنند (لیتل فیلد^۲، ۱۳۷۳؛ داویدار، ۱۳۵۸؛ غفاری فرد، ۱۳۸۳؛ تام‌کمپ^۳، ۱۳۷۹).

1. Patrick Nolan and Gerhard Lenski
2. Frederick Henry Litchfield
3. Tom Kemp

این تغییرات و تحولات اگر چند قرن در کشورهای صنعتی به واقعیت پیوستند، به لطف شتاب گرفتن ارتباطات در عرصه‌های گوناگون و آنچه که «اشاعه فرهنگی» نامیده می‌شود، در زمانی کوتاه نیز در ایران (و ابتدا در شهرها) به وجود آمدند و شهر به مبدأ، خاستگاه و اشاعه مدرنیته تبدیل شد. از تحلیل گران شهر، گوردون چایلد بر آن است که به جز سواد نوشتاری، طبقات اجتماعی و هنر (ادبیات، شعر، نقاشی، مجسمه‌سازی و ...) نیز خاستگاه شهری دارند (شارع‌پور، ۱۳۸۹: فصل پنجم؛ حیدریان، ۱۳۹۴). در میان اقتصاددانان و جامعه‌شناسانی که به بررسی «شهر» پرداختند، مارکس و انگلس از دیدگاه تحلیل تضادی، یکی از کارکردهای پنهان شهر را فراهم آوردن آزادی و شکوفایی شخصیت شهرنشینان معرفی کردند. از دیدگاه این دو، ساختار اقتصادی در جایگاه زیربنا، شکل‌بندی و محتوای عناصر روبنا‌هایی مانند ایدئولوژی و ادبیات را تعیین می‌کند. به‌ویژه مارکس در «دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۱» بر این است که شعر شاعری چون گوته، به‌راستی تحلیل‌کننده مسأله الیناسیون مسلط بر طبقه پرولتاریا است که علت این مسأله نیز صنعتی‌شدن و شهرنشینی است (مارکس، ۱۴۰۰). شهر همچنین کشمکش‌های طبقاتی، زاغه‌نشینی، کار کودکان، محیط غیر بهداشتی، استثمار طبقاتی، سرمایه‌گذاری و سودآوری، تولید مبادله‌ای و آگاهی طبقاتی را با خود و در خود دارد. مارکس و انگلس با مشاهدات میدانی به این نتیجه رسیدند که شهر به انسان آزادی می‌بخشد؛ امکان مشارکت در امور سیاسی را برایش فراهم می‌آورد؛ زمینه را برای تحصیل حقوق شهروندی آماده می‌کند و روند انتقال از مرحله پیش از تمدن به تمدن را برای او تسهیل می‌کند. تونیس نیز از منظر تضاد میان جوامع سنتی و صنعتی، گزلفاشت (شهر) را محیطی مناسب برای نضج و گسترش فرهنگ و عناصری از آن مانند دانش و تجارت و علم می‌داند. گزلفاشت در مقایسه با گمیشافت، احساسات در روابط اجتماعی را کم‌رنگ می‌کند (در نتیجه عنصر زیست‌عقلانی و محاسبه‌پذیر را افزایش می‌دهد)؛ به زندگی معنا می‌بخشد؛ هویت گروهی به انسان می‌دهد (زیرا انسان ناگزیر به عضویت این گروه‌ها در

1 . Infrastructure

2 . Superstructure

می‌آید)؛ بر اساس همین هویت گروهی، انسان را دارای منزلت اجتماعی می‌کند و مهم‌تر از این‌ها، موجب رشد فردگرایی و موجد زندگی هدفمند و جهت‌دار، تحت حاکمیت قوانین و قرارداد اجتماعی می‌گردد.

ماکس وبر^۱ نیز گرچه به طور مستقیم تحلیلی از نسبت شهر و ادبیات ارائه نداد؛ اما در پژوهش‌هایش (در حوزه‌های جامعه‌شناسی شهری و دینی با تأکید بر نقش مذهب پروتستان در تکون کاپیتالیسم)، ویژگی‌های بارز شهر را پیدایش بازار رقابتی و طبقه بورژوازی می‌داند. وی با مطالعه تطبیقی میان شهرهای باستانی و شرقی با شهرهای جدید اروپایی، نوع اخیر را محیط تشکیل بوروکراسی‌های مدرنی معرفی کرد که چون قفس آهنین، آزادی انسان را محدود کرده‌اند. در چنین شهرهایی، روابط اجتماعی چنان صوری می‌شوند که می‌توان شهر را تنها «محل تجمع» انسان دانست؛ انسانی که چنان مصرف‌گرا و برای رفع نیازهای زندگی چنان وابسته به بازار، خدمات و کالاهای مبادله‌ای شده است که خود قادر به رفع هیچکدام از نیازهای ابتدایی زندگی‌اش نیست. چنین قواعدی که بر زندگی جامعه شهری حاکم شده، لذت زندگی عاطفی و فارغ از محاسبه سود و زیان را از او ستانده و این بی‌معنایی و بی‌هدفی، منجر به اینکه شدن او شده است (وبر، ۱۳۶۹). در شهر، مناسبات حاکم بر روابط میان بورژواها و طبقه کارگران است که هم نیازهای جدیدی (اوقات فراغت و کتابخوانی) برای شهرنشینان پدید می‌آورد و هم انگیزه خلق آثار ادبی را به کسانی (خالقان آثار ادبی) مانند دیکنز، گورکی، اورول، بالزاک و ... می‌دهد.

هم‌گام با ایجاد صنایع جدید و اکتشافات و اختراعات در شهرها یعنی فراهم آمدن رفاه و آسایش، مشکلات روحی و روانی‌ای نیز دامن‌گیر انسان شهرنشین شدند. با پیچیدگی روابط اجتماعی در شهر و تلاش دانشمندان برای حل مشکلات مبتلا به جوامع شهری، علوم جدیدی که خود نیز خاستگاه شهری داشتند، آشکار کردند که پیچیدگی انسان و جامعه شهری فراتر از آنی است که تصور می‌شد. شناخت این انسان بدان شیوه

1 . Max Weber

که ادیان آسمانی، پیام‌آوران مدعی ارتباط با جهان ماوراءطبیعی و مفسران انحصاری آثار آنها بشارت می‌دادند، به‌سادگی ممکن نمی‌نمود. جوامع جدید شهری و ساکنان آن در ارتباطی دیالکتیکی بر پیچیدگی و چندلایه بودن یکدیگر افزودند آن‌چنان که وجود جهان‌بینی‌های نو و دانش‌های مدرنی برای شناخت این‌ها ضرورت داشت. از این‌رو است که بسیاری از متفکران و از جمله خود فروید، اهمیت کشف ناخودآگاه را هم‌تراز کشف تئوری جاذبه و تئوری نسبیت می‌دانند. شناخت انسان پروبلماتیک دنیای صنعتی و شهرنشین، نیازمند تحول جدیدی در شکل و نحوه بیان بود. هگل پیش‌تر آورده بود که زمانه سرمایه‌داری، نیازمند حماسه‌ای به نثر است؛ یعنی رمان؛ هنری که از دیدگاه افلاطون، تقلید از واقعیت است و دیگر نسخه‌ای بدلی نیست زیرا تمام مدل‌ها از بین رفته‌اند. هنر تمامیتی است آفریده شده زیرا وحدت طبیعی قلمروهای متافیزیکی برای همیشه نابود شده است» (لوکاس^۱، ۱۳۹۲: ۲۴). این سخن هم‌معنای ادعای مارکس است که در جهان مدرن هر آنچه سفت و سخت است دود می‌شود و به هوا می‌رود. در حماسه و تراژدی اگر تعین و قطعیت از خالق اثر به مخاطب منتقل می‌شد، اینک به‌سادگی و سهولت «در تلاطمی از عدم قطعیت که پیش‌بینی اعتقاد‌گزنده الیوت در سال‌های بعد بود (آدمی را یارای تحمل این واقعیت نیست)، مدرنیسم متولد شد» (آندره-برنیک^۲، ۱۳۹۲: ۱۱) و از آنجا که واقعیت‌های جهان بیرونی و ذهنی انسان (با تقسیم‌بندی فروید) متکثر، چندلایه، ناشناختنی و دست‌نیافتنی است، زبان انعکاس این جهان و انسان نیز همین صفات را به‌ناگزیر بایستی داشته باشد.

در ادامه تئوری‌پردازی در مورد شهر، مناسبات درون شهر، پیامدهای شهرنشینی و سرنوشت انسان شهری، به نظر می‌رسد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، زیمل بیش از دیگران به پدیده انسان پروبلماتیک شهری توجه داشت. زیمل در نوشته مشهور «کلانشهر و حیات ذهنی»، روان انسان شهری را موضوع بررسی قرار می‌دهد. وی نیز بر عناصر ضروری زندگی شهری مانند الیناسیون، احساس تنهایی، بی‌تفاوتی، دزدگی،

1 . Lukacs

2. André Bernick

اقتصاد مبتنی بر پول، شی‌گشتگی، کار تخصصی‌شده و البته محاسبه‌پذیری به‌خصوص از بُعد زمان یعنی نظم در وقت‌شناسی، مدیریت زمان و آزادی تأکید دارد. به نظر زیمل، در شهر به‌طور مستمر عوامل تحریک‌کننده و محرکات عصبی‌ای به سوی انسان ساطع می‌شوند که تغییرات تند و پُر سرعت آنها، منجر به تحریک شدن عصبی و بدون فاصله انسان شهری می‌گردد. شهر هم‌چنین باعث می‌شود «تراژدی فرهنگ» به وجود بیاید تا انسان شهری به علت روابط سطحی، محتاطانه و وابستگی‌هایی که جزئی و کم‌ارزشاند، از هنر (به‌طور کلی) ارزش‌زدایی کند (زیمل^۱، ۱۳۷۲).

در میان جامعه‌شناسان، لوکاچ نیز رمان را از ابعاد تاریخی و جامعه‌شناختی بررسی کرده است. از نظر لوکاچ (که خاستگاه تئوریک او ریشه در خاک مارکسیسم دارد) کارکرد مهم آثار هنری در جهان مدرن، انعکاس دادن جهانی است که به صورت تدریجی در حال فعلیت یافتن است. این جهان به مثابه یک سیستم، واجد تناقضات آشکار و پنهان است و یک اثر هنری رئالیست، قاعدتاً باید نه تنها تناقضات سطحی و صوری که تناقضات ناپیدا و پنهان را به‌طور حقیقی و کامل منعکس کند و در میان آثار هنری، وظیفه (فونکسیون) رمان از این لحاظ مهم‌تر و جدی‌تر است. سیستم مورد نظر لوکاچ، سرمایه‌داری و بورژوازی است و به همین دلیل هم او با مقایسه جهان کهنه و جدید، بر آن است که در میان آثار ادبی، تنها رمان است که می‌تواند تضادهای ذاتی جامعه سرمایه‌داری را آشکار کند. رمان می‌تواند مکانیزم رابطه انسان با جامعه و ریشه‌های اجتماعی تضادهای جامعه را بیان کند. رمان، ایده‌آل‌ترین نوع ادبی در چنین جامعه‌ای است و نویسنده در این جامعه، توانایی دارد که پرسونالیت و موقعیت‌هایی را خلق کند تا بازتابنده گروه‌های اجتماعی و موقعیت‌های بیرونی باشد. «نمونه‌وار بودن تنها در کنش متقابل شخصیت‌ها و موقعیت‌ها آشکار می‌شود. نویسنده می‌تواند از رهگذر کنش تشدید یافته و مفرط، در موقعیتی تشدید یافته و مفرط، تضادهای بنیادی را در مجموعه به‌هم‌بافته ویژه‌ای از مسائل اجتماعی مطرح سازد» (لوکاچ، ۱۳۷۹: ۸۲). از دیدگاه لوکاچ،

تضادهای جامعه‌ی سرمایه‌داری نه تنها در واقعیت‌های بیرونی که تا اعماق ارواح انسان‌ها ریشه دوانیده است و شناخت چنین تضادهایی نیاز به تیزبینی خاصی دارد که از خالق رمان برمی‌آید. این تضادها جامعه را زیر فشار می‌گذارند و آن را دچار تباه‌شدگی می‌کنند. کارکرد رمان این نیز هست که طغیان قهرمان در مقابل ارزش‌های ستایش‌شده‌ی مبتنی بر سود و سیستم سرمایه‌داری را (که در تقابل با ارزش‌های مورد قبول هنرمندان و روشنفکران است) در فرم و محتوای هنری بازتاب بدهد. او در «تئوری رمان» درصدد پاسخگویی به این پرسش برآمد که «چگونه توسعه ساختار اقتصادی، باعث زایش همخوان در قلمرو آفرینش ادبی می‌شود؟» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۲۰۰). در جهانی که زیر سیطره‌ی خدایان و نیروهای ماوراءطبیعی و مذهبی اداره می‌شود، سرشت جهان و انسان شکل گرفته، انسان ابژه‌ای تمامیت‌یافته است و فرم و ساختار حماسه، توان شناخت چنین جهان و انسانی را دارد. در جهان جدید اما جهان و انسان پروژه‌هایی تمامیت‌نیافته و در حال شدن هستند. شناخت و توضیح این پدیده‌ها که بدون وقفه، تحول درونی و بیرونی دارند، از قابلیت ژانرهای قدیمی و توان تولیدکنندگان سنتی آثار هنری خارج است. ارزش‌های جامعه و انسان مدرن که در تفاوت و تضاد با جامعه و انسان سنتی هستند، بدون این که خصلت فرافردی به خود بگیرند، خصلت فردگرایانه به خود می‌گیرند. این انسان، انسان «پروبلماتیک» است که به بیان هگل، وجودی دوپاره میان آگاهی پست و آگاهی والا دارد. او در جامعه‌ای زندگی می‌کند که معیار و ملاکش طلا است؛ جامعه‌ای که در آن روح هم نسبت به خود غریبه می‌شود (هیپولیت، ۱۳۷۱: ۱۶۰؛ لوکاچ، ۱۳۷۹: ۲۰۰-۱۸۹). مفاهیم «شیء‌شدگی» و «از خود بیگانگی» که لوکاچ در «تاریخ و آگاهی طبقاتی» به کار گرفت گویی حاوی روح وبر و تحلیل او از «قفس آهنین»^۱ هم هست. به گمان لوکاچ، قهرمان رمان، زاده این بیگانگی با جهان خارج است. تا زمانی که جهان و انسان هم‌سان و هم‌گن هستند، انسان‌ها نیز بدون تفاوت و هم‌سان هستند.

در مکانیزم چگونگی شکل‌گیری آثار ادبی، آلتوسر نیز به مفهوم «خودمختاری نسبی»

می‌پردازد. در این مکانیزم خلق اثر ادبی متأثر از مناسبات درونی نظام اقتصادی است اما این تأثیرپذیری به واسطه میانجی‌ها ممکن می‌گردد و تکامل آثار ادبی درون سنت ادبی جامعه تداوم می‌یابد. آلتوسر در تحلیل رابطه تعیین‌کنندگی اقتصاد بر سطح روبنایی مانند ادبیات و هنر (رمان)، از «تعیین چندجانبه» به عنوان روش پژوهش و تحلیل بهره می‌برد؛ روشی که در دستگاه فکری لوکاچ «تعیین مرکب» نام می‌گیرد. از نظر آلتوسر «در پروبلماتیک^۱ مارکسیستی، هر وجهی از جامعه به شیوه‌ای دارای تعیین چندجانبه می‌شود؛ به عبارت دیگر هر وجه به طرق گوناگون، معلول رخدادها و کنش‌هایی است که در تمام زیربنا اتفاق می‌افتد» (لوک‌فرتر، ۱۳۸۷: ۶۲).

در راستای تحلیل‌های جامعه‌شناسان مارکسیست، دیدگاه لوکاچ در تئوری‌پردازی گلدمن به اتحاد قهرمان و واقعیت تفسیر شد. در جامعه سنتی که تبیین امور توسط خالقان آثار ادبی با ژانر حماسه انجام می‌شد، واقعیات جامعه با قهرمان حماسه متحد و مشترک بود. گلدمن بر آن است که در جامعه جدید زمانی که این اتحاد مضمحل می‌گردد و مرحله دوگانگی میان قهرمان و جهان فرا می‌رسد، ارزش‌های کیفی نیز رخت برمی‌بندند و جست‌وجو برای یافتن ارزش‌های راستین راه به جایی نمی‌برد، حتی اگر جست‌وجوگران طبقه روشنفکر و تولیدکنندگان آثار فکری و ادبی باشند. ارزش‌های مبادله در ساختار اقتصاد بازاری و سرمایه‌دارانه از دو جهت به واسطه چنین ارزش‌هایی بر تمامی روبناها تأثیر می‌گذارند: از یک‌سو انسان‌های محاط را در این ساختار شیء‌واره می‌کنند و از سوی نویسنده‌گان، ادیبان، روشنفکران و خالقان آثار ادبی را به افرادی پروبلماتیک دگردیس می‌کنند. در این ایستگاه از تاریخ است که هنرمند (به عنوان فرد یا نماینده جهان‌بینی طبقه خود)، به مرحله آگاهی جمعی می‌رسد و آفرینش اثر ادبی انتقادی را آغاز می‌کند (نک: آدورنو و دیگران، ۱۳۷۸؛ ارشاد، ۱۳۹۱؛ ارشاد، ۱۴۰۰). در تئوری گلدمن، سرمایه‌داری عامل شکل‌گیری ارزش‌های فردگرایانه لیبرالیستی مانند آزادی شخصی، برابری، حقوق بشر و ... است. بر مبنای همین ارزش‌ها، فرد در رمان به

موقعیت قهرمان پروبلماتیک می‌رسد که ارزش‌های اصیل را جست‌وجو می‌کند و با تکامل رمان، جای خود را به قهرمان جمعی می‌دهد (لارنسون و سوئینگ-وود، ۱۳۹۹:۱۶۶). از آن جا که محل ظهور شیوه تولید کالا به صورت انبوه، شکل‌گیری طبقات اجتماعی، منازعات طبقاتی، مصرف کالاهای فرهنگی، صنعت فرهنگ^۱ و پیامدهای آن مانند الیناسیون، شهرزدگی، شی‌گشتگی، رفاه، آسایش و ...، در مجموع تکون و تکامل جامعه صنعتی در ابتدا (در اروپا و نیز ایران)، شهرها بودند، طُرفه نیست که پدید آمدن طبقه نویسندگان، ادیبان، هنرمندان، اقشار با سواد و کتابخوان از شهر آغاز بشود. افزایش روحیه سرمایه‌داری، گسترش شهرها را در پی داشت. طبقات بالا و میانی، انتلکتوئل‌ها و جمعیت سوادآمخته، به واسطه ایدئولوژی‌ها و صنعت پیش‌رونده، نیازهای جدیدی به جز نیازهای اولیه زندگی پیدا کردند (چنان‌که بعداً مازلو در هرم سلسله نیازها تئوریزه کرد) که یکی از آنها، کتاب و به‌ویژه ژانرهای مختلف رمان بود. به این ترتیب، خلق رمان با شهرنشینی توأم شد. تأکید بر این نکته ضروری است که رمان فارسی جزئی از یک روساختار است که فرم و محتوای آن به میانجی توسط زیرساختار تعیین شده است. مصباحی‌پور ایرانیان به‌درستی رمان فارسی را متأثر از ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می‌داند که شرایط جامعه را برای گسترش «دیوانسالاری در کنار انباشتگی سرمایه‌بازرگانی» آماده کرده بود؛ اما شیوه تولید آسیایی امکان «جهش ساختی» برای تغییر ساختارها نمی‌داد (مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۲۳۸-۲۳۵).

۴- بحث و بررسی

رمان به عنوان یک واقعیت اجتماعی^۲، کارکردهای گوناگونی دارد. بر اساس همین کارکردها و اهداف است که آن را به انواعی مانند رمان آموزشی، رمان اجتماعی، رمان تاریخی، رمان سیاسی، رمان فلسفی و ... تقسیم کرده‌اند. بر اساس نظریه کارکرد آموزشی «ادبیات قادر است اخلاق انسان را بهتر کند؛ اما برای این منظور لازم است ابتدا او را

1. Culture industry

2. Social Fact

متقاعد کند که دنیای خلق‌شده در رمانی که می‌خواند، بی‌ربط با دنیای واقعی نیست» (هلپرین، ۱۳۹۴: ۸۶). در رمان‌های ابتدایی فارسی نیز انواعی از این کارکردها دیده می‌شوند. نویسنده برای آن که خواننده را متقاعد کند که این اثر در پیشرفت جامعه اثرگذار است تلاش می‌کند واقعیت‌نمایی را در رمان افزایش دهد. با اتکا به همین دیدگاه است که برخی از منتقدان معتقدند در سبک‌هایی مانند ناتورالیسم این پلشتی‌نگاری به بازگشت جامعه به انتخاب‌های بهتر کمک می‌کند. دلایل این واقعیت‌نگاری هرچه بوده است با زیرساخت‌هایی که در جامعه مدرن ایرانی از دوره مشروطه شکل می‌گرفت پیوند داشت. تحولات اجتماعی و صنعتی نویسندگان را ترغیب می‌کرد برای ایجاد فضاهایی خلأقانه‌تر و واقعی‌تر، از مدل‌های شهر و جامعه خود استفاده کنند. گرچه در اولین داستان‌های این دوره هنوز رد پای قهرمانان حماسی و موضوعاتی چون اخلاق و فلسفه دیده می‌شود؛ اما تلاش برای ساختن جنبه‌های هنری تازه با محوریت مدنیت و هویت شهری به‌خصوص در نثر داستانی قابل تشخیص است. شهر در رمان‌های فارسی نمودهای متفاوتی دارد از جمله بازنمایی فضاهای اجتماعی و سیاسی و فضاهای مدرنیته. هر یک از این نمودها شامل زیرشاخه‌هایی است که بر اساس یافته‌های این جستار در رمان‌های منتخب به آنها اشاره می‌کنیم.

۴-۱. نمود فضاهای اجتماعی و سیاسی

شکل‌گیری اولین رمان‌ها هم‌راستای تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... در ایران و توجه نویسندگان ایرانی به فضای واقعیت‌گرایی در داستان‌ها و الگوبرداری از واقعیت‌های اجتماعی به‌خصوص در شهرها سبب شد رمان‌های فارسی همواره جایگاه بروز جریان‌ها و گفتمان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... باشند. علاوه بر این، قالب رمان با آبخوری از ابعاد زندگی انسان اجتماعی، می‌تواند رهیافت بهتری به مخاطب پیدا کند. این مهم‌ترین دلیل جستجوی ما در برخی از رمان‌های فارسی برای یافتن فضاهای اجتماعی و سیاسی است که نمودها و دریافتهای قابل توجه بیشتری دارد و به عنوان نمونه می‌توان به فعالیت‌های مدنی زنان، اعتراضات سیاسی و اجتماعی، مسائل کارگران و ... اشاره کرد.

۲-۴. توجه به مسائل سیاسی و مشارکت‌های اجتماعی

در رمان «تهران مخوف» تلاش‌های روشنفکران ایرانی برای به دست آوردن مدینه‌ای فاضله در میهن و امید به انقلاب مشروطه و پیامدهای معجزه‌آسایش به چشم می‌خورند. فعالیت‌های سیاسی جوانان در کنار عقب‌ماندگی فرهنگی عامه‌ی مردم در دوره‌ی قاجار، تضاد مهلکی در جامعه ایجاد کرده که در این رمان به خوبی به نمایش درآمده است. فرخ قهرمان داستان در روسیه به بلشویک‌های ایرانی می‌پیوندد و با آنها به ایران می‌آید و شهرهای شمالی را در کنار انقلابیون فتح می‌کند؛ اما با بروز اختلاف میان رهبران حزب کناره‌گیری می‌کند و برای دفع شورشیان لباس نظامی می‌پوشد و تا فتح تهران پیش می‌رود. در این میان نویسنده به موضوعاتی مانند بی‌لیاقتی مسئولان، عقب‌ماندگی فرهنگی در میان مردم، فساد ادارات و نالایق بودن برخی مذهب‌یون اشاراتی دارد:

«ژاندارم‌ها چون دستور داشتند تا ممکن باشد اسلحه به کار نبرند و رئیسشان امر کرده بود به مردم بدبخت که آلت دست شده‌اند صدمه و آسیبی نرسد اجباراً خط زنجیری در مقابل اداره کشیده و مهاجمین را پس می‌زدند» (مشفق کاظمی (ب)، ۱۳۴۰: ۲۲۰).

«مردم این محله شهر (جنوب شهر) از سیاست به کلی دور بوده و با یک بی‌قیدی، تمام زندگی مخصوص خود را ادامه می‌دهند و غالباً وقایع مهمی که در قسمت شمالی تهران روی می‌دهد و حتی تمام دنیا از آن آگاه می‌شود مانند تغییر دولت برای آنها مدت‌ها پنهان می‌ماند» (مشفق کاظمی (ب)، ۱۳۴۰: ۲۲۵).

«امشب من ناچارم بار دیگر مرام خودمان را برای اعضای کمیته تشریح کنم و تأسف خود را اعلام دارم زیرا رفتاری که بعضی از رفقا پیش گرفته‌اند ما را به کلی از منظور دور می‌سازد. اگر بخاطر آن باشد من در آن شب در بادکوبه یادآور شدم که ایران را نمی‌توان با کشورهای دیگر مقایسه کرد و اصولی که در آن کشورها پیش رفته در ایران عملی نیست. منظور و مقصود ما این بود که اگر بتوانیم حکومت دست‌نشانده را از بین ببریم و با یک فکر، تجددخواهی جمعی بی‌مسلك و بی‌عقیده و خودپرست را کنار بگذاریم ولی حالا می‌بینیم پیشروان این انقلاب که خود باید بیشتر از سایرین در حفظ اجرای مرام مقدس ما بکوشند و سرمشق دیگران باشند، رویه دیگری پیش گرفته و

مقاصد سوء و ناگفتنی خود را آشکار ساخته‌اند (مشفق کاظمی (ب)، ۱۳۴۰: ۱۷۶).

فعالیت‌های سیاسی جوانان در دوره پهلوی دستمایه خلق رمان «چشمه‌هایش» توسط بزرگ علوی شد. دانشجویان دارای بورسیه در فرنگستان که با مدنیت و حقوق اجتماعی و سیاسی فردی و جمعی بهتر آشنا شده‌اند، در روزنامه‌ها علیه حکومت می‌نویسند: «با من زیاد در خیابان‌های پاریس راه نمی‌رود مبادا کسی از سفارت ما دو نفر را با هم ببیند و مرا به تهران احضار کنند و خرج تحصیلم قطع شود ... پرسیدم: چطور خرج تحصیل او را قطع کردند؟ گفت سر همین مقالاتی که در روزنامه‌های فرانسه نوشتند» (بزرگ علوی، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

«مگر شما روزنامه پیکار را ندیده‌اید؟ ... شما کجا زندگی می‌کردید که از وجود چنین روزنامه‌ای بی‌خبرید؟ قریب هزار نسخه از آن به ایران می‌رود، اقلاً ده‌ها هزار نفر آن را می‌خوانند. نسخه‌هایش دست به دست می‌گردد. این تنها روزنامه‌ای است که به زبان فارسی منتشر می‌شود و دردهای مردم را تشریح می‌کند» (بزرگ علوی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

در رمان «همسایه‌ها» نیز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی روشنفکران و توده مردم در دوره پهلوی دوم، دستمایه نوشتن احمد محمود قرار گرفته است. این فعالیت‌های اجتماعی در فضای شهری نمود ملموس‌تری برای مخاطب پیدا می‌کنند. حضور جوانان در میتینگ‌ها، کتابفروشی‌ها، گردهمایی‌ها و ... ، هم‌سو با تب و تاب ملی شدن صنعت نفت به رمان پویایی و تحرک اجتماعی داده است (نک: حاتم‌پور، ۱۳۹۹):

«حاشیه میدان خالی می‌شود. اتومبیل‌ها از دهانه پل سرازیر می‌شوند. آرام می‌رانند به طرف خیابان پهلوی. هنوز تک تک بوق می‌زنند. یکهو شعارهای پارچه‌ای باز می‌شود و بالای سر گرفته می‌شود. از جنوب میدان به کامیونی کوچک داده‌اند. کامیون تا میانه میدان پیش می‌راند. توی کامیون یک میز بلند هست. رو میز یک میکرفن پایه‌بلند هست. ناگهان مردی میانه قد و میانسال جست می‌زند رو میز. چند جوان خودشان را بالا می‌کشند و دو طرفش می‌ایستند. مرد میانه‌سال شعار می‌دهد. کلمات پشت سر هم از دهانه گشاد بلندگو پر می‌کشند...» (محمود، ۱۳۵۲: ۱۷۹).

۴-۳. فعالیت‌های مدنی زنان

فعالیت‌های اجتماعی زنان در جامعه‌ی ایران معاصر، حاصل تحولات بزرگی بود که از طریق گفتمان مؤثر بر خط فکری روشنفکران ایرانی شکل گرفت. مقایسه‌ی جایگاه سنتی و محدودیت‌های آن برای زنان با جایگاه زنان در جوامع صنعتی و دستاوردهای آن مانند حق رأی، مشارکت‌های اجتماعی، حق تحصیل و آموزش و... از جمله نیازهایی بود که علاوه بر زنان، مردان نیز آن را دنبال می‌کردند. البته در مدت زمامداری پهلوی اول و دوم، بخشی از این حقوق و آزادی، متأثر از فضای فرهنگی و اجتماعی اروپا و آمریکا و فشارهای دولت‌های غربی و بخشی نیز در نتیجه‌ی کوشش‌های تعدادی از زنان نویسنده و روشنفکر (به عنوان نمایندگان این قشر) به آنان تعلق گرفت. در این میان، نزدیک به صد در صد نمایندگان فکری حوزه‌های علمیه و مجتهدان شناخته شده با ورود زنان به حوزه‌ی عمومی جامعه مخالفت می‌کردند. گروه‌هایی از نویسندگان، فعالان سیاسی و اجتماعی که به «روشنفکران دینی» معروف بودند نیز با قبول این الزام‌های اجتماعی و جهانی سعی کردند از نتایج برانگیختگی حساسیت‌های چنین مسائلی بی‌نصیب نمانند؛ به همین دلیل در رمان‌های فارسی نیز فعالیت‌های مدنی زنان مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد.

در رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» به فعالیت‌های زنان برای گرفتن حق رأی در اواخر دهه‌ی سی و اوایل دهه‌ی چهل اشاره شده است. در این رمان خانم نوراللهی شخصیت فعالی است که مورد تحسین زنان و مردان قرار می‌گیرد. پردازش این شخصیت به گونه‌ای است که اگرچه جزو شخصیت‌های فرعی رمان است؛ اما در روند شکل‌گیری موضوع فعالیت‌های زنان در دهه‌ی چهل اثرگذار است:

«می‌دانم انجمن خودتان را دارید که فعالیت‌های مثبتی دارد، ولی می‌دانید که انتخابات مجلس نزدیک است و حتماً می‌دانید که به خاطر مسأله‌ی حق رأی، امسال برای زن‌های ایرانی سال مهمی است و... نمی‌دانستم انتخابات مجلس نزدیک است و درباره‌ی حق رأی زن‌ها فقط چیزهایی شنیده بودم. فکر کردم مثل بیشتر ارمنی‌ها انگار توی این مملکت زندگی نمی‌کنم. خجالت کشیدم...» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

۴-۴. مهاجرت

در رمان «باییز فصل آخر سال است» اشتیاق به مهاجرت در نسل جوان موج می‌زند.

تلاش برای رفتن و دل‌کندن، کنار گذاشتن وابستگی‌ها، دویدن در صف سفارت و ... : «میثاق تند حرف می‌زند. می‌گوید تو می‌توانی. درست می‌شود. می‌گوید من مطمئنم. می‌گوید نگران نباش. می‌گوید فرانسه را ول کن، به یک جای دیگر فکر کن، خودم کمکت می‌کنم» (مرعشی، ۱۳۹۵: ۱۸۸).

«نامه پذیرش را از زیر شیشه رد می‌کنم. نگاه می‌کند. روی پاسپورتم یک تکه کاغذ می‌چسباند و رویش می‌نویسد سه. پاسپورتم را می‌گیرم. در دیگری جلوم است. غار علی‌بابا و چهل دزد است انگار. از ده تا در باید رد بشوم. باز می‌کنم. یک نگهبان فرانسوی پشت شیشه است. روی جیب پیراهن آبی آستین کوتاهش نوشته سکوریت. روی شیشه را می‌خوانم. باید موبایل و کلیدهایم را تحویل بدهم.... به فرانسه تشکر بلندبالایی می‌کنم. معلوم است خوشش آمده. برایم آرزوی موفقیت می‌کند.» (مرعشی، ۱۳۸۸: ۹۲).

۴-۵. نموده‌های فضای شهری (سینما، تئاتر، رستوران و ...)

در رمان «تهران مخوف» فضای شهری به عنوان نمادی از زندگی مدرن، شخصیت‌های روشنفکر، تحصیل‌کرده و متمول را نشان می‌دهد:

«معلوم می‌شود عقل تو هم کم شده است. آفاجان شب و روز زندگی من و تو تئاتر است. دیگر تماشای نمایش می‌خواهیم چه کنیم، وانگهی پول گزاف هم دادی و بلیط خریدی، از کجا معلوم است به مصرف خودش برسد. به علاوه تا کی باید رقص مردی را در لباس زنانه دید» (مشفق کاظمی (الف)، ۱۳۴۰: ۳).

توصیف تهران و مقایسه آن با پاریس در رمان «تهران مخوف» چنین آمده است: «تهران گرچه شهر بزرگی است ولی جز در قسمت‌های شمال آن درشکه و واگن عبور نمی‌نماید و قسمت جنوبی آن که مسکن مردم طبقه سوم و فقیر است دارای کوچه‌های بسیار تنگ و پر پیچ و خم و گود می‌باشد. در این قسمت یعنی جنوب شهر محله‌ای است به نام چاله میدان که شباهت زیادی به محله کوردو میراکل پاریس در چند صد سال قدیم دارد، چه این محله چاله میدان هم مثل آن محله پاریس در قدیم عده‌ای از مردم

وجود دارند که در اثر بی‌سوادی و بی‌اطلاعی از همه‌جا و همه‌چیز اخلاق غریبی داشته چنانکه برای اختلافات کوچکی که در سر مختصر پول یا حرفی بین آنان پیش می‌آید... کمر قتل ... یکدیگر را می‌بندند» (مشفق کاظمی (ب)، ۱۳۴۰: ۵).

در رمان «تهران مخوف» به مدارس دخترانه و نقش آنها در شکل‌گیری شخصیت مدنی زنان ایرانی هم اشاره شده است. مهین در یکی از همین مدارس درس خوانده است و پدرش علت سرکشی مهین از ازدواج با شازده را مدرسی می‌داند که مهین در آن تحصیل کرده است:

«از چه وقت شما زن‌های ناقص‌العقل حق رأی و نظر پیدا کرده‌اید که غیرممکن می‌گویید. کی به شما اجازه داده که این حرف‌ها را بزنید. اگر چه تقصیر تو نیست. حق داری این طور با پدرت یک و دو بکنی. تقصیر تمام با من است. اگر تو را به این مدارس جدید نمی‌فرستادم خودم و تو را به این بدبختی‌ها دچار نمی‌کردم. خبط بزرگ را من کردم که گذاردم تو این کوره سواد را پیدا کنی» (مشفق کاظمی (ب)، ۱۳۴۰: ۲۰۴).

فضاهای شهری مانند سینما در رمان «شوهر آهو خانم» که در زمان رضاشاه اتفاق می‌افتد، نمودی از تفریحات تازه متمدنانه و البته آیین مدرنیته‌ای است که در برابر سنت قرار می‌گیرد:

«سینما معصیت دارد. اختراع شیطان است. گناه است گناه! و گذشته از آن یک بار دیگر به تو گفته‌ام این نوع تفریحات به مردم کاسبکاری از قبیل ما نیامده است... فیلم مسافرت شاه به ترکیه را می‌گویی؟ اولاً اینکه در آن فیلم ساز و آواز و رقص و این قبیل کارهای معصیت‌بار نبود و ثانیاً اصلاً بلیطش اجباری بود. مثل همه صنوف به من هم که رئیس نانواخانه بودم تعدادی بلیط داده بودند که بین اعضای صنف خود قسمت کنم. بعضی‌ها پول بلیط را می‌دادند، خودش را نمی‌گرفتند یا اگر می‌گرفتند به دیگری می‌دادند تا جای آنها برود...» (افغانی، ۱۳۵۷: ۵۳۷).

در رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» اشاره فراوانی به سینما و تأثیر آن در فضای شهری و ایجاد حس نشاط برای شهروندان دارد:

«از جلو سینما تاج گذشتیم. انگار همین دیروز بود. هر جمعه دوقلوها را که هنوز خیلی کوچک بودند می‌گذاشتم پیش مادر و من آرمن را می‌آوردم سینما تاج. وقت برگشتن دستش توی دستم، فیلم را از اول تا آخر دوباره و سه‌باره تعریف می‌کرد» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

یکی دیگر از فضاهای شهری کتابخانه و کتابفروشی‌ها است. در رمان «پاییز فصل آخر سال است» کتابفروشی محلی است نمادین که تفکر، فرهنگ و نسل جوان را به یاد مخاطب می‌آورد:

«آن روز اما خودم برای خودم کار پیدا کرده بودم. توی کتابفروشی کوچکی که لای قفسه‌هایش بوی خاک مانده روی شیرازه کتاب می‌آمد و مشتری‌هایش آدم‌هایی بودند مثل تو. به آقای فردوسی گفته بودم پولش مهم نیست، از فردا می‌آیم... گفتم چه معنا دارد تو و شبانه همه کتاب‌های دنیا را بلد باشید، آن وقت من فقط چند رمان بی‌اهمیت خوانده باشم» (مرعشی، ۱۳۹۳: ۳۳).

مکان‌های عمومی که جزئی از سپهر عمومی در جامعه مدن محسوب می‌شوند مانند رستوران‌ها و فروشگاه‌های بزرگ، از مظاهر مصرف‌گرایی در زندگی شهری در رمان‌های فارسی هستند. مصرف‌گرایی از ویژگی‌های جامعه ایرانی دهه‌های چهل و پنجاه است. این دوران اوج شکوفایی اقتصادی به دلیل رشد درآمدهای نفتی دولت است که باعث شد بسیاری از روستائینان و خوش‌نشینانی که با اجرای اصلاحات ارضی از لحاظ درآمد تضعیف شده بودند به سوی شهرها مهاجرت کنند و در فرهنگ شهری و پیامدهای آن غرق شوند. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در این دوران از بدیهی‌ترین پیامدهای مدرنیته در جامعه ایرانی بود.

رمان «اهل غرق» منیرو روانی پور تقابل سنت و مدرنیته را با ورود صنعت نفت به جامعه سنتی ایران در بوشهر نشان می‌دهد. شهر در این رمان نمادهایی آشکار دارد مانند شکلات‌های رنگی، رادیو، سبیل داشتن و... . مردانی که روستاییان را با مظاهر مدرنیته آشنا می‌کنند، ربایندگان باورهای سنتی و تخیلی روستاییان معرفی شده‌اند. اهل جفره از

همه‌جا بی‌خبر، به درخواست مسئولان حزب توده به شهر برده می‌شوند تا در میتینگ از حضورشان استفاده شود. شهر برای آنان ورود به دنیای عجیبی بود که حتی در خواب‌هایشان نمی‌دیدند. در میان میتینگ ناگهان همه چیز به هم می‌ریزد و مأموران افراد را دستگیر می‌کنند. جمال را هم دستگیر می‌کنند. بالاخره دولتیان متوجه می‌شوند جایی به نام جفره وجود دارد که مردمانش حتی شناسنامه هم ندارند. وقتی نویسنده می‌خواهد ورود تکنولوژی به جفره را نشان دهد تقابل سنت و مدرنیته از زبان رمان او را به زبان طنز گرایش می‌دهد: «مرد پیچ جعبه جادو را گرداند و ناگهان صدایی مردانه گفت: ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه، این جا لندن است. مردان آبادی جلو آمدند. نفس در سینه‌ها حبس شد و زایرغلام حیرت‌زده به مردان موبور نگاه کرد. همه عالم می‌دانستند که این جا جفره است. زایرغلام که صدایش شکسته بود، دست روی شانه یکی از مردان گذاشت و آهسته گفت اینجا جفره است، جفره. همه آبادی با هم گفتند که اینجا جفره است» (روانی‌پور، ۱۳۶۸: ۱۳۹).

روستای جفره که محل اکتشاف نفت است با ورود افراد بیگانه دچار تغییرات اجتماعی می‌شود. «دختران آواره آنان که نفت بی‌خانمانشان کرده بود و در انتظار تمام شدن نفت چاه‌ها، در گوشه و کنار جفره اتراق کرده بودند، به سراغ خانم زری آمدند تا به دستور او شلیته‌هایشان را درآورند و لباس‌هایی به تن کنند که پارچه کمتری می‌برد و براننده آدم‌های حسابی بود» (روانی‌پور، ۱۳۶۸: ۳۵۴).

روانی‌پور ایجاد اشتغال صنعت نفت را به باد انتقاد می‌گیرد و با نشان دادن حاشیه‌نشینی که از ویژگی‌های جوامع صنعتی است از درآمدهای کذایی نفتی انتقاد می‌کند. آهوی شمایل که در داستان از بوی نفت بیمار می‌شود و از پا در می‌آید، نماد از دست رفتن سنت و ارزش‌های روستاییان جفره است.

در رمان «شوهر آهو خانم»، مصرف‌گرایی زن جوان سید میران، در تمام رمان مشهود است. این ویژگی به جوان بودن و البته بوالهوس بودن زن نسبت داده شده است. در خرید ساعت مچی، نویسنده رمان در گفتگوی میان فروشنده و خریدار به تجمل‌گرایی و

علاقه به شناخت برند در میان ایرانیان در دوره پهلوی اول اشاره می‌کند: «مشهدی میران ساعتی به شما می‌دهم که حتی در تهران نظیر آن یافت نمی‌شود. شب‌نمای کار سوئیس و هفده سنگ که در عین ظرافت و زیبایی، دقیق و قابل اطمینان است. کارخانه تا ده سال کارش را تضمین کرده است. قیمتش نیز بسیار مناسب است... حالا هوا هنوز روشن است در تاریکی به خوبی معلوم است که شب‌نماست. قطعاً می‌خواهید بندش هم طلا باشد» (افغانی، ۱۳۵۷: ۴۴۰-۴۴۱).

در ماجرای کشف حجاب که در این رمان به آن پرداخته شده است نیز نشانه‌هایی از این تجمل‌گرایی دیده می‌شود:

«در فاصله سه روزی که به روز موعود مانده بود خیاطی سلوک واقع در کمرکش خیابان اصلی شهر با شتابی هرچه تمام‌تر کوشید تا توانست لباس پاییزی هما را که اولین تن‌پوش بدون حجابش به حساب می‌آمد حاضر بنماید. لباس‌های فاستونی خود سید میران چندان عیبی نداشت. پالتوی جنس برکش از شکل افتاده و شل و ول شده بود که به پیشنهاد هما پالتوی تازه‌ای از ماهوت سرمه‌ای اعلا و همچنین شاپویی ایتالیایی خریداری کرد» (افغانی، ۱۳۵۷: ۴۴۷).

در رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» نیز نویسنده مصرف‌گرایی جوامع شهری را با بازنمایی فروشگاه‌ها و رستوران‌های بزرگ شرکت نفت در آبادان نشان داده است:

«شام چی داریم؟ دستمال را پرت کردم توی ظرفشویی و گفتم هیچی برو از انکس غذا بگیر. اول تعجب کرد. بعد به نظرم خوشحال شد. گفتم خورش کاری انکس بد نیست. بعد انگار یادش آمد خودش غذای تند دوست ندارد. فیش اند چیپس هم می‌گیرم...» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

«کارمند فروشگاه پرسید: ترولی یا بسکت؟ گفتم: بسکت لطفاً. سبد خرید را برداشتم و یکر است رفتم سراغ قسمت لوازم بهداشتی. زنی تکیه داده بود به چرخ دستی خریدش و به قفسه صابون‌ها و کرم‌ها نگاه می‌کرد. چرخ دستی پر بود از انواع شکلات‌های کدبری، به هم لبخند زدیم. انگار موظف به توضیح باشد گفت برای تهرانی‌های شکلات ندیده

سوغاتی می‌برم صابون و کرم هم خواسته‌اند. نمی‌دانم صابون چی بردارم. دو بسته صابون وینولیا برداشتم گذاشتم توی سبد...» (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۸۶).

در رمان «همسایه‌ها» فضاهای شهری در دو دسته فضاهای لوکس و فضاهای حاشیه‌ای نمود دارند. فضاهای لوکس شهری شامل مکان‌هایی است که صنعت نفت برای استفاده کارمندان خود ساخته بود مانند شهرک‌های کارمندی که شامل تمام امکانات ورزشی و تفریحی نیز بود:

«اتوبوس خانه‌های آخر شهر را پشت سر می‌گذارد. حالا رسیده‌ایم به اول ساختمان‌های شرکت نفت... هوا کلی با شهر فرق دارد. از اتوبوس پیاده می‌شویم. می‌رویم توی باشگاه. از کنار سالن بزرگ و سرپوشیده زمستانی می‌گذریم. پشت ساختمان یک چمن‌کاری وسیع هست که تا کنار کارون پیش می‌رود. تو استخر کسی شنا نمی‌کند. پشت استخر زمین‌های تنیس است» (محمود، ۱۳۵۲: ۲۷۸).

در رمان «شوهر آهو خانم» نیز نویسنده از امکانات شهری انتقاد می‌کند. این رمان که وقایع را در کرمانشاه نشان می‌دهد به مشکلات زیرساختی این شهر هم می‌پردازد:

«آن روز در شهر هشتاد هزار نفری بیش از یک مریض‌خانه وجود نداشت که آن هم متعلق به خارجی‌ها یعنی آمریکایی‌ها بود و با این که اهالی از همه چیز جز درد و بلا محروم بودند، به علت ناتوانی مطلق مادی یا صرف عادت به مریض‌خانه رجوع نمی‌کردند... با این کیفیت دیگر لازم به توضیح و توجیه نیست که مریض‌خانه پیش از آن که عیسی باشد عزرائیل بود» (افغانی، ۱۳۵۷: ۴۱۷).

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش با این پرسش آغاز شد که: «آیا بین شهرنشینی در ایران با شکل‌گیری رمان فارسی مناسبتی وجود داشته است؟». پژوهش در پارادایم کیفی، با روش کیفی و با نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. بررسی تعدادی از رمان‌های مشهور که با معیار قضاوتی انتخاب شدند، نشان داد که پاسخ پرسش، مثبت است.

شکل‌گیری شهر و شهرنشینی در ایران از روزگار باستان تا دوره صفویه، بیشتر از

فاکتورهایی مانند آب، امنیت، مکان‌یابی ارگ‌ها، ساختمان‌های اداری مانند وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها، کنسولخانه‌ها و متأثر از شیوه حکمرانی حاکمان بوده است؛ اما از زمان قاجاریه عوامل و عوارض مدرنیته در مظاهر علم مدرن، کالبد و فضای شهری ایران را تسخیر کردند. مدرنیسم پیامدهای آشکار و پنهانی مانند مسائل شهری داشت (حاشیه‌نشینی، مهاجرت روستائیان، روسپی‌گری، الیناسیون، الکلیسم، تنهایی، دل‌زدگی^۱). این معضلات عارض شهرنشینی بود در هیأت سوژه شناسای به‌بلوغ رسیده همزاد مدرنیته؛ پدیده‌ای که در کاراکترها و پی‌رنگ‌های بسیاری از رمان‌های ایرانی نمود یافت: انسان پروبلماتیک در معنای لوکاچی آن. پس از برآمدن حکومت پهلوی‌ها و آغاز فرایند مدرنیزاسیون، شهرگرایی نیز سرعت گرفت. عامل (و از منظر متدولوژی، متغیر) مهمی که بر صنعتی‌شدن و شهرنشینی در ایران مؤثر افتاد، کشف نفت بود. مهاجرت ناشی از جذابیت‌های شهرهای در حال صنعتی‌شدن و به‌خصوص مهاجرت جمعیت فراوانی از روستاییانی که با اصلاحات ارزی، معیشت و ابزار ارتزاق خود را از دست داده بودند، منجر به شلوغی شهرهای ایران شدند. تمرکز جمعیت، به‌جز تغییر دادن نقشه جغرافیایی و کالبد شهرها، تضادهای گروهی و محله‌ای را به وجود آورد. تبعیض و شکاف درآمدی، از یک‌سو به شکل‌گیری سبک زندگی مخصوص «جنوب شهر» فقیر و محل اسکان اقشار کم‌درآمد انجامید؛ از سویی به ساخت‌وساز محلات ثروتمند و پُر زرق‌وبرق مصرف‌گرا با سبک زندگی و فرهنگ مخصوص «شمال شهر» راه برد. گروه‌هایی از مردم که از کمترین درآمدی محروم بودند، رو به زاغه‌نشینی، حلبی‌آبادها و حصیرآبادها (مانند نازی‌آبادها و یافت‌آبادها در تهران) آوردند. هر یک از این محلات و به تبع آن اقشار اجتماعی ساکن آنها، مبتلا به مسائل و معضلات خود بودند اما پیامدهای اقتصاد نفتی سرمایه‌دارانه، احساس تبعیض و در نتیجه انواع تضادهای شکل گرفته میان قطب‌های شهری - دهاتی، جنوب شهری - شمال شهری، سنتی - مدرن و زن - مرد بود (م.ش: اریک هوگلاند، ۱۴۰۰). این تفاوت وقتی آشکارتر می‌گردد که به یاد بیاوریم از زمان

صفویه، شناخت شهرهای ایران بر اساس مکتب شهرسازی مانند «مکتب اصفهان» و «مکتب تهران» انجام می‌شد. ویژگی مشترک این شهرها، بازاری بودن آنها بود. شهر، مکان گذر از اقتصاد کارگاهی به اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر تولید انبوه به عنوان پدیده‌ای زیربنایی و تعیین‌کننده شیوه تکامل جامعه بود که در نهایت به تشکیل جامعه سرمایه‌داری منجر می‌شد (م.ش: نیکی کدی، ۱۳۸۷). همین تحول مهم بود که در جایگاه زیرساخت، تأثیری دترمینیستی بر ادبیات نوشتاری (نظم و نثر) و به‌ویژه رمان گذاشت. شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران اگرچه در آغاز راه بود؛ اما به‌جز تغییرات یاد شده، به تأسیس و گسترش مؤسسات آموزشی مانند دانشگاه‌ها، احداث شهرک‌های صنعتی، ورود و حضور گروه‌هایی از متخصصان خارجی، کارگران صنعتی، توریست‌ها و افزایش اعزام دانشجویان به خارج، موجب اشاعه بعد مادی و غیرمادی فرهنگ غربی در جامعه، گسترش دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها، رونق تجارت، ساخت ارتش مدرن، بوروکراسی، معماری اروپایی، هتل‌داری، فروشگاه‌ها، بانک‌ها، مشارکت اجتماعی و سیاسی، ورود زنان به سپهر عمومی جامعه و روحیه مصرف‌گرایی به گسترش برخی، و ساخت برخی دیگر از شهرها انجامید. چنین پیامدهایی بر صنعت نوپای سینما و ادبیات تأثیر گذاشت تا جایی که در حوزه رمان و داستان، آثاری در انواع اجتماعی، شهری، روستایی و داستان‌های جنایی پدید آمدند.

تضادها و منازعات گروهی و طبقاتی که پیش‌تر گفته شد ذاتی جامعه شهری است. خاصه در شهرهای در حال مدرن شدن ایران پس از قاجاریه. در این دوره گذار، نشانه‌هایی دیده می‌شود دال بر ورود جامعه به مرحله‌ای که اگوست کنت آن را «دوره اثباتی» نامیده است. امور متافیزیکی در ذهن انسان و جامعه اثباتگرا^۱ جایی ندارد. جامعه‌ای که عصر کودکی را پشت سر نهاده و به دوران علمی و بلوغ رسیده، از وجه انتولوژیک^۲، پروبلماتیک است و وجود، عدم و زمان از لحاظ کیهان‌شناختی و ایستمولوژیک برایش فاقد معنا شده‌اند. اگر در جهان اسطوره‌ای و افسانه‌ای، اساطیر و قهرمانان، ناجی فرد و

-
1. Positivist
 2. Ontological

جامعه بودند تا آنها را از شر نجات دهند و جادو، مذهب و دین به جهان سوژه‌گی و ابژه‌گی‌شان معنا و هدف می‌داد، اینک این عناصر رخت بر بسته‌اند. قهرمانی چون «گودو» نه زبان شعر می‌داند و نه از راه خواهد رسید. انتظار بیهوده است و قهرمانان خود به ارواح تبدیل شده‌اند (نک: فرای، ۱۳۶۳: ۳۴). از دیدگاه لوکاج، رمان (و ادبیات) در چنین جامعه‌ای، منعکس‌کنندهٔ واقعیات اجتماعی است؛ جهان خردی که عینیتی کلان را توصیف می‌کند و در ارتباطی دیالکتیکی میان «جان و صورت» با محوریت انسان به فرم ساخت می‌دهد. چنین سوژه‌ای، واجد خصائل و ویژگی‌هایی است که انواع ادبیات پیش از رمان قادر به پردازش آن نیستند. رمان، ارزش‌های راستین را بارتاب می‌دهد. در جامعهٔ جدید، قهرمانی نیست که با حماسه و شعر معرفی شود. تضاد در هر نوعی از آن، ویژگی ذاتی انسان، شهر و نظام هستی در این دوره از تاریخ بشر است. ایران که از زمان صفویه وارد ارتباطات جهانی شده بود، از زمان قاجار وارد ارتباطات گسترده‌تری با جهان شد. پس از برآمدن پهلوی‌ها و سرعت گرفتن مدرنیزاسیون، شهرگرایی نیز سرعت گرفت. البته هم‌زمان با انقلاب مشروطیت، رمان‌هایی از زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، عربی و ترکی استانبولی به فارسی ترجمه شدند. طالبوف، خسروی (رمان شمس و طغرا)؛ شیخ موسی کبودر آهنگی (رمان عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر)؛ بدیع (داستان باستان و سرگذشت شمس‌الدین و قمر) و صنعتی‌زاده (دام‌گستران یا انتقام‌خواهان مزدک و مجمع دیوانگان) پیش‌تاز بودند. نوشتن رمان‌های اجتماعی را نیز مشفق کاظمی (تهران مخوف)؛ عباس خلیلی (روزگار سیاه، انتقام، انسان، اسرار شب) و یحیی دولت‌آبادی (شهرناز) آغاز کردند. هنگام خلق چنین آثاری، آغاز و نیز تشدید روابط میان ایران و کشورهای غربی (علت خارجی در تحولات کشور) و کوشش‌ها و تکاپوهای اصلاحگران و نویسندگان ایرانی (علت داخلی در بازتنظیم نظام اجتماعی و سازگار کردن آن با نیازها و ضرورت‌های جامعه) باعث شدند تا رمان ایرانی شکل بگیرد. شکل‌گیری طبقهٔ متوسط، پدید آمدن شخصیت‌هایی با «خصایل و حالات طبیعی و بشری»، مسألهٔ زن، هرج و مرج موجود در روابط میان اجتماعی، انحطاط اخلاقی و اجتماعی، شکاف

طبقه‌های، تجاوز به زنان، فساد طبقات حاکم، فضای شهر و روستاها (مانند شیره‌کش‌خانه‌ها، اماکن فساد و...) از جمله موضوعات و پدیده‌هایی‌اند که در رمان آن زمان به سبک رئالیسم منعکس شده‌اند (م.ش: آرین‌پور، ۱۳۸۷). رمان فارسی در این دوره را به دو دسته رمان تاریخی و رمان اجتماعی تقسیم می‌کنند که در آنها پدیده‌های اجتماعی و سیاسی روزگار نویسندگان منعکس شده‌اند. از خالقان آثار این دوره می‌توان از حیدرعلی کمالی (رمان لازیکا)، صادق هدایت (مازیار) و سعید نفیسی (ماه نخشب) نام برد. با این توصیف مواردی چون جدال، جوانمردی، ریاکاری، اروتیسم، روشنفکر و روشنفکری، شهرنشینی و شهرنشینان، کارمندان گنجشک‌روزی، فاحشه‌ها و فاحشه‌گی، اخلاق بورژوازی، دیوان‌سالاری، مسائل جامعه سنتی، تضاد طبقاتی، وضع ناعادلانه زنان، فقر و جهل و... در این رمان‌ها منعکس شده‌اند. بیشتر خالقان این آثار، نویسندگانی از طبقات متوسط و روشنفکر شهرنشین بودند (نک: سپانلو، ۱۳۸۷). بررسی‌های دیگر نشان می‌دهند که نشانگان مدرنیته، حساسیت نویسندگان و گرایش آنها به سبک رئالیسم در مورد شهر، شهرنشینی و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی شهری را برانگیختند: عواملی چون احساس عقب‌ماندگی، گسترش شهرنشینی، احداث و ازدیاد مدارس، مسائل اجتماعی شهرها، بورژوازی مبادله‌ای و خرده‌بورژوازی (نک: دستغیب، ۱۳۸۶). به نظر نویسندگان پژوهش پیش‌روی، خالقان رمان فارسی و خود رمان فارسی، یکی از برون‌دادهای تحولات بنیادین در جامعه ایران بودند. این تحولات با شکافی که بین ایران دیروز و ایران امروز به وجود آوردند، منجر به زایش قشر جدید روشنفکر شدند. از آن‌جا که ادب سنتی فارسی مانند شعر، پتانسیل تحلیل انعکاس پدیده‌های جدید جامعه را نداشت، ضرورت کارکردی خود را از دست داد و نیاز کارکردی جامعه با هدف روایت و تحلیل و تجزیه جامعه‌ای با فرم و محتوای بی‌سابقه، ضرورت خلق نوع ادبی جدیدی را فراهم آورد. هرچند بر اساس تجربه تاریخی نمی‌توان از دگرگونی تمام‌عیار و گسست تمام در تاریخ یک جامعه سخن گفت ولی در تضاد میان وجه سنتی و وجه مدرن جامعه ایران، به نظر می‌رسد نوعی «پالایش» در حال انجام بود که لوازم فکری و فرهنگی و

ادبی متناسب با خود را اقتضا می‌کرد. شهر و نویسندگان (به‌عنوان قشری که محصول شکاف میان سنت و مدرنیته است) دو عنصر مهم برای انعکاس این پالایش بودند که هر دو نیز متأثر از زیرساختار اقتصادی‌ای بودند که در آغاز پیوستن به اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بود. با این توصیف، یافته‌ها نشان می‌دهند که در پاسخ به پرسش پژوهش، بین شهرنشینی (به‌خصوص پس از حکومت پهلوی اول و دوم) از یک‌طرف و شکل‌گیری و تکامل قابل توجه رمان فارسی از طرف دیگر، مناسبت و هم‌راستایی وجود داشته که البته به میانجی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاصل آمده است. در نهایت این که برای پژوهش‌های بعدی پیرامون تحلیل رمان فارسی ضروری است نقش ساختار سیاسی ایران که با تعبیر «پاتریمونالیسم ایرانی» و «استبداد شرقی»^۱ از آن تعبیر می‌شود را در خلق، تعیین فرم و محتوای رمان‌ها و جهان‌بینی‌های نویسندگان آثار ادبی مورد توجه قرار داد.

منابع

- ارشاد، فرهنگ. (۱۳۹۱). *کندوکاوی در جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: نشر آگه.
- ارشاد، فرهنگ. (۱۴۰۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- اریک هوگلاند. (۱۴۰۰). *زمین و انقلاب در ایران*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: نشر شیرازه.
- افغانی، علی محمد. (۱۳۵۷). *شوهر آهوخانم*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آدورنو، تئودور، گلدمن و دیگران (۱۳۸۱)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۷). *از صبا تا نیما*، جلدهای اول و دوم، تهران: انتشارات زوآر.
- آگبرن و نیمکف. (۱۳۸۱). *زمینه جامعه‌شناسی*، اقتباس امیرحسین آریان‌پور، تهران: نشر گستره.
- آندره برنیک. (۱۳۹۳). *رمان؛ زبان و روایت از سروانتس تا کالویئو*، ترجمه فرزانه قوجلو،

تهران: نشر نیکا.

بزرگ علوی، مجتبی. (۱۳۸۹). چشم‌هایش، تهران: انتشارات نگاه.

پیرزاد، زویا. (۱۳۸۰). چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، تهران: نشر مرکز.

تام‌کمپ. (۱۳۷۹). الگوهای تاریخی صنعتی شدن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

جان‌ام. دان. (۱۳۸۲). عصر روشنگری، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.

حاتم‌پور، شبیم. (۱۳۹۹). از نفت تا داستان: بررسی تأثیر صنعت نفت بر داستان‌نویسی جنوب، تهران: انتشارات زعیم.

حیدریان، محمود. (۱۳۹۶). باستان‌شناسی ایران در آغاز شهرنشینی، جزوه درسی گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرگرد، بی‌جا.

داویدار. (۱۳۵۸). پویایی جامعه از دیدگاه اقتصادی، ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۶). پیدایش رمان فارسی، شیراز: نشر نوید.

دیوید لاج، جان هلپرین و دیگران. (۱۳۹۴). نظریه‌های رمان از رئالیسم تا پسا مدرنیسم، ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر نیلوفر.

روانی‌پور، منیرو (۱۳۶۸)، اهل غرق، تهران: انتشارات خانه آفتاب.

زیمل، جورج. (۱۳۷۲). کلان‌شهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳، ۵۳-۶۶.

ژان هیپولیت. (۱۳۷۱). مقدمه بر فلسفه حق هگل، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر آگه.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سپانلو، محمدعلی. (۱۳۸۷). نویسندگان پیشرو ایران، تهران: انتشارات نگاه.

شارع پور، محمود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهر، تهران: سمت.

غفاری‌فرد، عباسقلی. (۱۳۸۳). تاریخ اروپا از رنسانس تا قرون معاصر، تهران: انتشارات جامی.

فرای، نورتروپ. (۱۳۶۳). تخیل فرهیخته، ترجمه سعید ارباب‌شیرانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

فروند، ژولین. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه ع. نیک‌گهر، تهران: توتیا.

- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- لارنسون و سوئینگ‌وود. (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه شاپور بهیان، تهران: سمت.
- لوک فرتر. (۱۳۷۸). *لویی آلتوسر*، ترجمه امیر احمدی‌آریان، تهران: نشر مرکز.
- لوکاچ، جورج. (۱۳۷۹). *نقد، نویسنده و فرهنگ*، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، تهران: نشر دیگر.
- لوکاچ، جورج. (۱۳۹۲). *رمان تاریخی*، ترجمه شاپور بهیان، تهران: نشر اختران.
- لوکاچ، گئورگ. (۱۳۸۰). *نظریه رمان*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر قسه.
- مارکس، کارل. (۱۴۰۰). *دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۸*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آشیان.
- ماکس وبر. (۱۳۶۹). *شهر در گذر زمان*، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیقی کیفی، ضد روش*، جلد دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمود، احمد. (۱۳۵۲). *همسایه‌ها*، تهران: امیرکبیر.
- مرعشی، نسیم. (۱۳۹۵). *پاییز فصل آخر سال است*، تهران: نشر چشمه.
- مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۴۰الف)، *تهران مخوف*، ج اول، تهران: سازمان چاپ و پخش کتاب ابن سینا.
- مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۴۰ب)، *تهران مخوف*، ج دوم، تهران: سازمان چاپ و پخش کتاب ابن سینا.
- مصباحی پور ایرانیان، جمشید. (۱۳۵۸). *واقعیت اجتماعی و جهان داستان*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نولان، پاتریک و لنسکی، گرهارد. (۱۳۸۰). *جامعه‌های انسانی*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- نیکی‌آرکدی. (۱۳۸۷). *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- هنری. و. لیتل‌فیلد. (۱۳۷۳). *تاریخ اروپا*، ترجمه فریده قرچه‌داغی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

